

همیشه در فرهنگ شعر



عکس: رضا همشهری / حامد خورشیدی

روایت تحقیر مردم ایران در دوران پهلوی در گفت‌وگو با عباس سلیمی نمین

قصه قاچاق نفت با آگاهی پهلوی‌ها

پهلوی‌ها مردم ایران را در حد ساخت یک آفتابه هم قبول نداشتند!

گفت‌وگو
روزنامه‌نگار

محمد مهدی اسکندری

دوشنبه ۹ بهمن ماه بود که رهبر معظم انقلاب، حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای با یاد دید ز نمایشگاه توانمندی‌های تولید ایرانی در حوزه‌هایی نظیر «اترژوی»، «صنعت نفت و پتروشیمی»، «صنایع خودرو سازی»، «معدن و صنایع معدنی و فلزی»، «ارتباطات و فناوری اطلاعات و ساخت ماهواره»، «صنایع غذایی و کشاورزی»، «تجهیزات پزشکی»، «صنایع دستی»، «حمل‌ونقل هوایی، دریایی، زمینی»، «صنایع نساجی» و «مسکن و لوازم خانگی» بار دیگر تحسین و تشکر خود را نسبت به مردم ایران کردند. شاید امروزه چنین خدادهایی با وجود اهمیتی که دارد یک امر عرفی و بدیهی قلمداد شود اما اگر بگویم روزی شاه‌این مملکت با دید حقارت به این مردم می‌نگریست و کار را به جایی رساند که نخست‌وزیرش مردم ایران را عاجز از ساخت یک آفتابه آهنی معرفی کند، آن وقت است که متوجه اهمیت توجه رهبری و اساساً گفتن انقلاب اسلامی به توانمندی‌ها و ظرفیت‌های این مردم خواهید شد.

گذشته چراغ راه آینده است و با نظر افکندن به تاریخ است که می‌توانیم مردم را بهتر و دقیق‌تر درک کنیم. تاریخ پهلوی مملو از حقارت‌ها و سرافکنندگی‌ها برای مردم ایران است و اساساً یکی از وجوه اصلی انقلاب اسلامی که در شعار «استقلال آزادی جمهوری اسلامی» رخ نمایان می‌کند، رهایی از همین بند اسارت تحقیر هاست. یکی از مهم‌ترین وجوه تحقیر ملی از سوی پهلوی‌ها در گفت‌وگو با عباس سلیمی‌نمین، تاریخ پژوه مورد بررسی قرار دادیم که در ادامه می‌خوانید.

در صورتی انجام می‌شد که بخشی از مردم تهران حتی از دسترسی به آب بهداشتی و پاکیزه محروم بودند و برای شرب و شست‌وشو از منابع آبی بهره می‌بردند که در آن حیواناتی مثل سگ و گربه وجود داشتند و استفاده از آن موجب بروز انواع و اقسام بیماری‌ها می‌شد.

این بالاترین حقارت و توهین برای یک ملت است که جامعه در چنین وضعیت اسفناکی باشد و رأس کار که شاه مملکت است به جای حفظ و صیانت از حقوق مردم، منافع بیگانگان را تأمین کند. همین مسئله بی‌توجهی به حقوق مردم از سوی دولت پهلوی اول و بالاخص پهلوی دوم به جهت حفظ منافع حامیان سلطنت که بیگانگان باشند، موجب شد مردم ایران دست به یک نهضت ملی در راستای مبارزه با بیگانگان بزنند که جلوه مهم و اساسی آن را در ملی شدن صنعت نفت باید دید. اگر به راستی حقوق مردم برای پهلوی‌ها ارزش داشت کار به جایی نمی‌رسید که مردم وارد میدان شوند و هزینه بدهند.

اما سطح توهین پهلوی و تحقیر مردم از سوی آنان همچنان ادامه‌دار بود و وقتی نهضت مبارزه در راستای استقلال در استفاده از نفت اوج گرفت مسئولان رژیم پهلوی و برخی روشنفکران غرب‌گرای درباری با متهم کردن مردم ایران و نقد اقدام مبارزان ملی شدن صنعت نفت همچنان منافع غربیان را حفظ کردند و در آخر اوج همکاری سلطنت با بیگانگان برای زمین‌زدن کودتا را پیاده کردند و مردم را پیاده کرد و نقشه برای ۳۷ سال دیگر منافع عاید از نفت را به نفع خود بهره‌گیری کردند، با این تفاوت که این بار دیگر انگلیسی‌ها تنها نبودند و بخشی از

نفت ملت به آمریکایی‌ها هم داده شد. اما نکته البته بسیار عجیب که بار دیگر موجب شد عملی تحقیرآمیز از سوی پهلوی صورت بگیرد و عزت ملی را لکه‌دار کند این است که انگلیسی‌های اشغالگر دولت را مجبور به پرداخت غرامت کردند! یعنی در شرایطی که مردم ایران در جهت مقابله با غارت سرمایه‌هایشان قیام کردند، انگلیسی‌ها پس از کودتا گفتند که دولت باید غرامت و خسارت این قیام علیه آنها را پرداخت کند و از جیب و پول ملت، مبلغی برای پرداخت به بیگانگان انگلیسی صرف شد و پهلوی تنها به جهت

نکته مهم این است که وقتی ایرانیان، بیگانگان انگلیسی را خلع‌ید کردند متوجه شدند که آنها فارغ از فعالیت‌های رسمی و شفاف خود در حوزه نفتی، خط لوله‌ای را به شکل مخفیانه تا عراق کشیده بودند و از آنجا بخشی از نفت و سرمایه ایرانیان را غارت می‌کردند

حفظ سلطنتش با کمک انگلیسی‌ها این موضوع را پذیرفت و حاضر شد چنین تحقیر و توهینی را به مردم خودش روا دارد. این موضوعی بود که دکتر مصدق می‌گفت هر زمان به آن فکر می‌کنم اشک در چشمانم حلقه می‌زند.

علت این همه باج‌دهی و تحقیر ملت برای حفظ سلطنت بود؟
اساساً شاه و دربارش به همراه غرب‌زدگان حکومتی، برای آنکه حمایت انگلیسی‌ها از سرشان کم نشود به‌شدت با هرگونه اقدام علیه انگلیسی‌ها مخالفت کرده و در راستای ملی شدن صنعت نفت می‌گفتند که ما توانایی و شایستگی مدیریت نفت را نداریم و این کار، کار انگلیسی‌هاست. مرتباً در مسیر نهضت ملی شدن صنعت نفت ایرانیان از سوی شاه مملکت تحقیر شدند که شاید بارزترین جلوه آن زمانی بود که نخست‌وزیر پهلوی‌ها، حاجعلی رزم‌آرا گفت که ایرانیان لیاقت و توانایی ساخت یک لوپتنگ (آفتابه) را هم ندارد چگونه می‌خواهند نفت به این مهمی را اداره کرده و از پس آن بر بیایند؟!

در اینجا لازم است گفته شود که اساساً تسلط بر یک کشور برای سالیان دراز امکان‌ندارد مگر اینکه راه تحقیر آن را پی‌گیری گرفت. انگلیسی‌ها از طریق پهلوی‌ها برای مدت طولانی این کار را پیش گرفتند، برای همین ما شاهد بودیم که چگونه رضاخان و پسرش بارها با تخریب فرهنگ، پوشش، سنت، تاریخ و دین مردم ایران آنان را تحقیر کرده و در برابر بیگانگان سرافکننده کردند به تعبیری آنان سعی داشتند هر آنچه رنگ و بویی از تاریخ و سنت این کشور دارد را سرتوب کنند تا با پیاده‌سازی نقشه انگلیسی‌ها دل این حامیان تاج و تخت سلطنت را بدهست آورند.

معرفی کتاب

مروری بر دوران پهلوی در کتابخانه مرکز اسناد



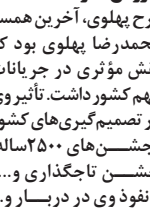
رؤیاهای بر بادرفته

این کتاب روایتگر زندگی «محمد رضا پهلوی» از تولد تا مرگ است؛ شیوه طرح افکار، احساسات، انگیزه‌ها و عکس‌العمل‌های او به‌خصوص واکنش‌ها و موضع‌گیری‌های اتخاذشده در مواقع بحران‌های سیاسی. این کتاب به‌گونه‌ای است که او را از قالب تشریفاتی معمول خارج کرده با نثری خاطر‌گونة، اسلوب‌تازهای از نوشتار و زندگی‌نامه‌های تاریخی و سیاسی او ارائه می‌کند.



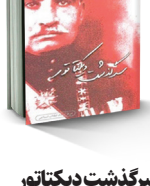
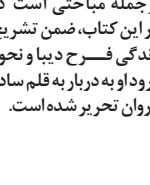
۵۳ سال عصر پهلوی به روایت دربار

این کتاب اوضاع اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی ایران در طول ۵۳ سال حکومت پهلوی را به نقل از رجال دربار بازگو کرده است. اقداماتی نظیر صنعتی‌شدن اقتصاد ایران، نحوه اداره مملکت، انقلاب سفید شاه، اصلاحات ارضی و... این اثر نوشته ریحانه درودی و در سال ۱۳۸۵ به چاپ رسیده است.



عروس آخر

فرح پهلوی، آخرین همسر محمدرضا پهلوی بود که نقش مؤثری در جریانات مهم کشور داشت. تأثیری در تصمیم‌گیری‌های کشور، (چشم‌های ۵۰۰ ساله، جشن تاجگذاری و...) و نفوذ وی در دربار و... از جمله مباحثی است که در این کتاب، ضمن تشریح زندگی فرح دبا و نحوه ورود او به دربار به قلم ساده و روان تحریر شده است.



سرگذشت دیکتاتور

ایسن اثر، بخش‌هایی از زندگی عبرت‌آموز رضاخان پهلوی را به تصویر می‌کشد. آشنایی با شخصیت رضاخان و مراحل زندگی‌اش، تصویر روشنی از وضعیت اسفبار ایران را در دوران وی ارائه می‌دهد. با مطالعه این کتاب بی‌می‌بریم که چگونه یک قزاق دون پایه به‌خاطر خشونتی که علیه مردم کشورش از خود نشان می‌دهد، به سرعت مدارج ترقی را می‌پیماید و به‌خاطر خشونتی طی می‌کند و از پایین‌ترین مراتب‌نظامی‌گری با انتخاب مستقیم انگلیسی‌ها به پادشاهی می‌رسد.

گفت‌وگو ۲

الناز عباسیان



نگاهی به اشعار عرفانی امام خمینی^{ره} در گفت‌وگو با رضا اسماعیلی، شاعر، پژوهشگر و منتقد ادبی

شعر امام^{ره}؛ بازترین پنجره رو به دنیای عرفانی ایشان

امام خمینی (ره) در پشت سیمای پرصلابت و استوار خویش به‌عنوان یک انقلابی بزرگ، سیمای دیگری نیز داشت که کمتر شناخته شده بود؛ سیمای عاشقی صادق و عارفی واصل که همچون لسان‌الغیب حضرت حافظ شیرازی، فلسفه خلقت هستی و عالم آفرینش را عشق می‌دانست و می‌فرمود: «بیرم، ولی به گوشه چشمی جوان بشوم!». چاپ اشعار امام (ره) باعث رونمایی از ۳ سیمای عارفانه و شاعرانه ایشان شد. این نکته‌ای است که رضا اسماعیلی، شاعر، پژوهشگر و منتقد ادبی به آن اشاره می‌کند. گفته‌های اسماعیلی در این رابطه را در ادامه می‌خوانید.

ویژگی‌های کمتر توجه شده از شخصیت امام^{ره}

بعد از تحال حضرت امام (ره)، رونمایی از سیمای ادبی آن عبدصالح خدا با چاپ غزل «من به خال لب‌ت ای دوست گرفتار شدم» آغاز شد و به‌خاطر اقبال و استقبال گسترده مردم، به مرور با چاپ و انتشار مجموعه شعرهای «سوی عشق»، «باده عشق»، «نقطه عطف» و «محررم راز» ادامه یافت. غزل «من به خال لب‌ت، ای دوست! گرفتار شدم»، نخستین غزلی بود که بعد از رحلت حضرت امام (ره) چاپ و منتشر شد و مردم برای نخستین بار با یکی دیگر از ابعاد شخصیتی ایشان که شعر و شاعری است، آشنا شدند. انتشار این غزل زیبای عرفانی، جامعه ادبی و ارادتمندان امام (ره) را به‌شدت به وجد آورد. اقبال و استقبال از این غزل بیش از حد تصور بود، به‌طوری‌که بعد از انتشار، مورد استقبال بسیاری از شاعران قرار گرفت. من خود بیش از صد‌ها تضمین از این غزل را در مطبوعات و جنگ‌های ادبی خواندم. بعد از چاپ نخستین غزل، برای بسیاری از مردم باور اینکه این غزل زیبا و عارفانه، سرورده همان عزیزی است که انقلابی‌ترین مرد جهان نام گرفته است، کار بسیار سخت و دشواری بود. چرا که طرفداران و دوستداران امام (ره) در ایران و جهان، بیش از این او را تنها به‌عنوان مرجعی دینی و رهبری سیاسی می‌شناختند. ولی چاپ این غزل، در پیش چشم مردم ایران و جهان سیمای دیگری از امام (ره) را به تماشا گذاشت که تا پیش از این ناشناخته بود. غزل مورد اشاره، لہجه حافظانه‌ای دارد. در آینه این غزل زیبا و معنوی می‌توان سیمای عرفانی آن عبدصالح خدا را به تمام و کمال به تماشای نشست.

سبک شعر و قالب اشعار امام^{ره}

پرداختن شایسته و بایسته به سبک ادبی و شیوه شعر و شاعری امام (ره) و تحلیل عارفانه غزل‌های آن پیر فرزانه در این مجال کوتاه ممکن نیست و به تحقیقی جامع و گسترده نیاز دارد. همین قدر می‌توان گفت که سیمای ادبی امام (ره) بعد از گذشت بیش از ۴ دهه از پیروزی انقلاب همچنان در پرده‌ای از انہام قرار دارد و مردم با این بُعد از شخصیت امام (ره) آنگونه که شایسته و بایسته است آشنایی ندارند. با یک مرور اجمالی در اشعار ایشان، اهل ادب به سهولت درمی‌یابند که این اشعار درونمایه‌ای عرفانی و معنوی دارد و ذهن و زبان امام (ره) در عرصه شعر و شاعری متأثر از شاعران سبک عراقی به‌خصوص سنایی، عطار، مولانا، سعدی و حافظ است. عرفان متجلی در سروده‌های امام خمینی (ره) عرفانی اسلامی، بیدارگرانه و مبتنی بر آموزه‌های وحیانی و قرآنی است که انسان را به صراط مستقیم توحید و رستگاری هدایت می‌کند.

ویژگی‌عارفانه اشعار ایشان

حضرت امام (ره) به شعر و شاعری نه‌به‌عنوان یک هدف، بلکه به‌عنوان فرصتی برای بیان حقایق و فضایل اخلاقی، لطایف عرفانی و ظرایف روحانی نگاه می‌کرد و بنابر مصالحی شخص‌نمایی به چاپ و انتشار این اشعار در زمان حیات خویش نداشت. علت چاپ دیوان اشعار بعد از رحلت‌شان نیز مطالبه مردمی و اصرار ارادتمندان ایشان نبض این کار برای رمزگشایی و بهره‌برداری از سیمای عرفانی آن عبد صالح خدا بود. حضرت امام (ره) عالمی و عارفی کامل بود.